



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

## مسئولیت اجتماعی شرکتی و تئوری سازمانی: دیدگاه های جدید در مدیریت

### خصوصی

#### مسئولیت اجتماعی شرکتی و تئوری سازمانی:

دیدگاه های جدید در زمینه نظارت خصوصی استن برامر، گرگوری جکسون، دیرک متن مسئولیت اجتماعی شرکتی یکی از گسترده ترین موضوعات در ادبیات تجاری می باشد اما آن نقش سازمان ها را نادیده گرفته است. در این مقاله مقدماتی که در رابطه با موضوعات خاص اجتماعی - اقتصادی می باشد به بررسی نقش احتمالی تئوری سازمانی در فهم (مسئولیت اجتماعی شرکتی) به عنوان یک روش نظارتی پرداخته می شود. در این مقاله پیشنهاد می شود که به بررسی تاریخچه (مسئولیت اجتماعی شرکتی) در فعالیت های داوطلبانه شرکتها و فهم تصریح کننده های بزرگ تر تاریخی و سیاسی در رابطه با اینکه شرکت ها به چه شکلی وظایف اجتماعی را برعهده می گیرند پردازیم. از لحاظ تاریخی، مفهوم (مسئولیت اجتماعی شرکتی) در نگاه شکست بیشتر شکل عادی سازمان یافته منسجم اجتماعی در بازارهای اقتصادی لیبرال ارائه شد. در حالی که مسئولیت اجتماعی شرکتی ارتباط زیادی با سازمان های رسمی شرکتهای دارنده سرمایه یا واسطان دولت در اقتصادهای پیشرفته دیگر دارد. تنش بین کار آفرینان و چندین دارنده سرمایه مسئولیت اجتماعی شرکتی به سطوح فراملیتی نیز گسترش یافته، درجایی که شکل و مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی کاملاً باهم متعارض هستند.

از این رو تحقیقات و شیوه های مسئولیت اجتماعی شرکتی بر پایه تناقض اصلی بین مفهوم لیبرال مشارکت داوطلبانه و یک مفهوم ضمنی متضادی از مسئولیت های اجتماعی ضروری قرار دارند. به نظر میرسد که تئوری سازمانی یک مسیر نوید بخشی برای مشخص کردن اینکه چطور مرزهای بین شرکت و جامعه به روش های متفاوتی ساخته می شود، باشد و این تئوری باعث فهم بهتر ما از کارایی مسئولیت اجتماعی شرکتی در زمینه های گسترده تر سازمانی نظارت اقتصادی می شود.

کلمات کلیدی: مسئولیت اجتماعی گروهی، نظارت گروهی، اقتصاد سیاسی سازمان، گسترش فراملیتی، بین الملل

سازی، گوناگونی سرمایه داری

طبقه بندی JEJ : A13 رابطه اقتصادها با ارزش های اجتماعی؛ M14 فرهنگ مشترک؛ مسئولیت اجتماعی؛

P16 اقتصاد سیاسی

## 1- مسئولیت اجتماعی شرکتی ونادیده گرفتن سازمان ها

با صحبت درباره مشارکت اعضای کارخانه ها در پروژه تحقیقی مسئولیت اجتماعی شرکتی مسئولیت اجتماعی شرکتی در کنفرانس های بزرگ، جالب است که بدانیم چندتا از محققان جوان از تئوری سازمان به عنوان طرحی برای کارهایشان استفاده کرده اند. به نظر می رسد تئوری سازمانی امروزه جنبش زیادی ایجاد کرده است. علی رغم رشد اخیر آن، کاربرد تئوری سازمانی برای فهم پدیده های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی جدیداً صورت گرفته است. در اواسط سال 2000 بازارهای مفهومی به کار رفته و در تحقیقات مسئولیت اجتماعی شرکتی گسترش یافت (آگیلار، 2007. کامپ بل 2007، ماتن ومون 2008). ذکر شده که مسئولیت اجتماعی شرکتی در بردارنده یکی از جوانب جامعه می باشد که باتوجه به آن اشخاص می توانند تصور کنند که تئوری سازمانی برای فهم مسئولیت های اجتماعی شرکتی همانند یک ذره بین می کند. در کل به نظر میرسد که تئوری سازمانی درست مرکز آن چیزی که کل مسئولیت اجتماعی شرکتی در باره آن است قرار داشته باشد. همانند نقل قول ذکر شده در مقدمه کتابچه آکسفورد نسبی سازمان (مورگان 2010) :

موضوعی که ما به آن علاقمند هستیم را می توانیم معرفی کنیم که چطور اشکال، نتایج و پویایی های سازمان اقتصادی (شرکتها، شبکه ها، بازارها) تحت تاثیر قرار گرفته اند و توسط موسسات اجتماعی دیگر شکل گرفته اند (...). وجه نتایجی بر رشد اقتصادی، آیین نامه ها، اشتغال و بی عدالتی دارد. موسسات نیز همانند (...). قوانینی رسمی و غیر رسمی، مقررات، هنجارها و تفاهم هایی که موجب محدود شدن رفتار می شوند محدود شده اند.

عادلانه که بگوییم در تاریخچه مسئولیت اجتماعی شرکتی جوانب اجتماعی مسئولیت اجتماعی شرکتی ذکر نشده است. در بیشتر تاریخچه از عنصر اجتماعی به عنوان یک جعبه سیاه، مجموعه ای از نیازهای خارجی که تبدیل به

یک مورد منطقی، کنش گرا، سودمند و شخصی برابر مشارکت اجتماعی شرکت شده اند یاد می شود (مارکوییس و والش 2003). این مورد توسط یک سری از موضوعات گسترده در مورد تاریخچه مسئولیت اجتماعی شرکتی ذکر شده است، (د باکر 2005، لاکت 2006) همانند بیشتر تحلیل های انتقادی صورت گرفته از مسئولیت اجتماعی شرکتی (باتوجی 2007، هانلون 2008). همانطور که کامیبل بیان کرد (2007) تاریخچه مسئولیت اجتماعی شرکتی بیشتر توصیفی و پاهنجاری می باشد. در این صورت بخش عمده ای از تحقیقات تجربی اختصاص دارد به ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و تاثیرش بر عملکرد مالی شرکت (ارلیتزکی 2003). باگسترش علوم اجتماعی مسئولیت اجتماعی شرکتی قادر به شرح وجود بازار می باشد (وونگل 2006). اینها شواهد قدرتمندی برای شرکتها و مدیرانشان می باشند که باید خیلی مسئولانه عمل کنند.

تمرکز بر شرکت به عنوان هنرپیشه اصلی در عملکرد مصوب اجتماعی در زمینه شخصی و در روش بررسی و فهم مسئولیت اجتماعی شرکتی خصوصا در مدارس تجارت یک اصل می باشد. اگرچه تعاریف معمول مسئولیت اجتماعی شرکتی شامل وظایف اجباری همچون پذیرش قانون یا ایجاد محیطی برای انتظارات اجتماعی می باشد (کارول 1999). موضوع تکراری که در مباحث مسئولیت اجتماعی شرکتی وجود دارد همان عملکرد اختیاری شرکتها می باشد. به عنوان مثال وونگل (2006) مسئولیت اجتماعی شرکتی را به صورت شیوه هایی که از طریق مشخص سازی اعمالی که شرکتها به طور قانونی نیاز است که انجام دهند و پیشرفت کارخانه می شوند و برای جامعه سود آور هستند، معرفی کرده است (P02). این دیدگاه نشان دهنده برترین تئوری نمایندگی به عنوان روش برای فهم ماهیت شرکت در بررسی ها شخصی و مدیریتی می باشد (کارانا 2007). بطور مشابه این تاکید دارد بر فلسفه اختیاری که مجددا در اسناد سیاسی انجمن های شخصی مطرح شده است (کیندرمن 2012). قطعا، حتی ابتکارات سیاسی عمومی نیز چالشی برای این فرض محسوب نمی شود. برای مثال، کمیسیون اروپایی (P6 2001) برگ سبز از مسئولیت های اجتماعی به عنوان یک مفهومی که به وسیله آن شرکتها موضوعات اجتماعی و محیطی را در فعالیتهای شخصی شان و در تعاملاتشان با دارندگان سرمایه ادغام می کنند، یاد میکند.

در اواخر دهه گذشته بحث های تحقیقی موجود در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی کمتر صورت گرفت اما این مباحث به فهم بیشتر مسئولیت های اجتماعی کمک کرد. همان طور که یک سری از بررسی ها نشان دادند نتایج این تحقیق چندان معتبر نیستند (ارلیزکی 2008). این مطلب که شرکتها برای افزایش کارایی شرکتشان در طرح های مسئولیت اجتماعی شرکتی مشارکت دارند می تواند توضیح دهنده این مورد باشد که آیا شرکت ها بر نتایج مصوب اجتماعی تاثیر دارند یا ندارند؟

این مرتبط است با دومین ویژگی یعنی جهانی سازی و تاثیرش بر بررسی های شخصی. اگر مسئولیت اجتماعی شرکتی یکی دیگر از روش های افزایش سود است می توان این سوال را مطرح کرد که چرا شکل های مسئولیت اجتماعی شرکتی در مناطق و کشورهای جهانی بسیار متفاوت است. علاوه بر این سوال هم پیش می آید چرا مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان بهترین روش تحقیقی در آمریکای شمالی یا انجلو ساکسون به بخش های دیگر اقتصادی جهانی نیز گسترش یافته است. برای این توضیح این مورد با انجام بحث های کمی در زمینه حداکثر سازی کارایی و سود به نظر میرسد که خریدهها از زمانیکه شرکتهای موفق در اروپای غربی به پیشرفت خودشان بدون توجه به (ماتن و مون 2008) مسئولیت اجتماعی شرکتی و مفاهیم مرتبط ادامه دادند محدود شده است.

سومین ویژگی به دنبال مشخص سازی نقش مشارکت خصوصی در حوزه های عمومی در دو دهه گذشته می باشد. علاقمندی به مسئولیت اجتماعی شرکتی توسط طرح سوالاتی در رابطه با تاثیر مشارکتها بر مردم بومی (بانوجی 2000)، شرایط کار در کشورهای در حال توسعه فعالیت های محیطی و سیاسی در دموکراتهای توسعه یافته (کروچ 2004) افزایش یافته است. این موضوعات نشان دهنده این است که توانایی و وظایف شرکت از عمده ترین موضوعات عمومی می باشد. شرکتها بر نتایج اشتغال، مصرف، کیفیت محیطی، بی عدالتی اجتماعی و موضوعات دیگر اثر می گذارند. تاثیر شرکت ها بر شیوه ها و ابزارهای فرهنگی مدرن نیز همان طور که بحث های صورت گرفته در رابطه با McDonaldization و Starbucksization (رتیزر 2010) و Disneyization در حوزه مصرفی (برایمان 1999) همچنین فهم جنسیت نشان می دهد نیز گسترش یافته است. در هر صورت از

بحران مالی سال 2008 ما توان یک درس مهم آموخت: بودجه محدود شرکتهای خصوصی به صورت بودجه متراکم جامعه دوباره جمع آوری شود.

تلاش به فهم عملکرد شرکت فقط محدود به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتی نیست. همان طور که بارلی بیان می کند تاریخچه مدیریت به فهم ارتباط بین مشاغل و محیط هایش (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تکنیکی) کمک می کند

از سال 1960، تئوری های سازمانی بیشتر وقتشان را صرف گسترش تئوری هایی درباره اینکه چطور محیط ها بر سازمان ها تاثیر می گذارند و چطور سازمانها بر یکدیگر تاثیر می گذارند، می کنند. اکنون وقت آن رسیده که تئوری های سازمان توجه بیشتری به اینکه چطور سازمانها محیط هایشان را تغییر می دهند و حتی ایجاد می کنند خصوصا بخش های سازمانهای بیرونی که توجه کمی به آنها می شود، بکنند.

بنابراین چندان شگفت انگیز نیست که افزایش علایق محققان مسئولیت اجتماعی شرکتی به تئوری سازمانی هم زمان با افزایش تاثیر تئوری سازمان بر تحقیقات مدیریتی بوده باشد و در بررسی های شخصی بین الملل از تئوری سازمان به منظور فهم روشی که شرکت های چندملیتی وظایف جهانی شدن را مدیریتشان استفاده زیادی می شود (وستی و زاهیر 2001، گیپرت 2006، جک سون و دیگ 2008).

## 2- مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان رابطی بین اشتغال و جامعه:

گسترش بحث در عوض نگاه صرف به مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان بخشی از اعمال داوطلبانه، تئوری سازمانی سعی دارد که از مسئولیت اجتماعی شرکتی نیز در زمینه نظارت اقتصادی مشخص شود به روش های متفاوت همچون بازار و مقررات دولتی استفاده کند. اگرچه در ارزیابی های مسئولیت اجتماعی شرکتی بازارها در واقع یک وسیله هستند (برای مثال تجارت عادلانه، علامت گذاری اقتصادی و...) از نظر تئوری های سازمان اقتصاد بازارها نیز جز شبکه های اجتماعی، انجمن های شخصی و قوانین سیاسی می باشند. پیشرفت های اخیر صورت گرفته در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی موجب گسترش بحث ها در این قسمت شده است.

علاوه بر این مسئولیت اجتماعی شرکتی موضوع فرعی از تحقیقات مدیریتی و شخصی است، رشته های دیگر نیز به کاربرد مسئولیت اجتماعی شرکتی علاقمند شده اند همچون سیاست (مون 2002، کروج 2009)، اقتصاد (وان اوسترهون و هیگنز 2008)، قانون (میلرات 2005) و جامعه شناسی (بروکس 2010). با توجه به این دیدگاه هامسئولیت اجتماعی شرکتی یکی دیگر از راههای افزایش کارایی شرکت می باشد. با وجود این تا کنون، علاقه به کاربرد روش مسئولیت اجتماعی شرکتی منجر به تحقیقات بین رشته ای و فراوانی دستورات کار تحقیقی نشده است. در پاسخ به درخواستهای موجود برای بررسی پیوسته رابطه بین شرکت و جامعه (کروج 2006) تئوری سازمانی بسیار مناسب است. نه تنها تئوری سازمانی برای یک سری از علوم اجتماعی بسیار کاراست بلکه این تئوری روش مناسبی برای تلفیق دیدگاههای متفاوت ارائه می کند.

کاربرد تئوری سازمانی در تحقیقات سازمانی منجر به فهم بهتر مسئولیت های شخصی از دو جنبه مهم می شود؛ تنوع مسئولیت اجتماعی شرکتی و پویایی مسئولیت اجتماعی شرکتی. این به مقدار زیادی منطبق با دو مکتب فکری در تئوری سازمانی می باشد. (تمپل و والگنباچ 2007).

سازمانهای جدید بر انتشار جهانی روشها و پذیرش اینها توسط سازمانها تاکید دارند اما توجه کمی به اینکه چطور چنین روش هایی تفسیر میشوند دارند. روش سیستم های شخصی مشخص می کند که چطور اشتغال تحت تاثیر تئوری سازمان قرار می گیرد.

با توجه به جنبه تنوع، یک سری از نشریه هایی که از تئوری سازمانی برای بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتی استفاده کردند، علاقمند به فهم تفاوت های فراملیتی روش ها و مسئولیت اجتماعی شرکتی هستند. (گولبرگ 2009، بلاسکو و زولند 2010، جکسون و اپوستولا کو 2010). مسئولیت اجتماعی شرکتی در شکل آمریکایی شمالی اش (کارول 2008) بدون فهم موقعیت های سازمانی با توجه به این مشکل به سختی قابل توضیح است. فهم مسئولیت های اجتماعی شرکت در مناطق و کشورهای مختلف وابسته به چهار چوب سازمانی شرکت می باشد. این نه تنها مربوط به سازمانهای رسمی همچون قانون، انجمن های شخصی، گروههای اجتماعی حقوقی یا اتحادیه های تجاری می باشد بلکه برای موسسات غیررسمی همچون قوانین

مذهبی، روشهای مرسوم یا سنت های قبیله ای نیز مهم هستند. در بعضی از اصول اخلاقی شخصی این جوانب بررسی شده اند. در هر صورت اینگونه تحلیل ها به ندرت موجب تفاوت در تصمیم گیری ها می شوند (دانا لدسون 2001).

بخشی از این موضوع که چرا تحقیقات مسئولیت اجتماعی شرکتی در اواخر دوره گذشته مورد توجه قرار گرفته اند بخاطر پویایی مفهوم و تغییر کاربردهایش می باشد. این کاملاً مرتبط با روشی که مسئولیت اجتماعی شرکتی (و برچسب های معادلش همچون مدت دوام، تابعیت، شرکت، اصول اخلاقی شخصی و...) از طریق تقلید و پذیرش توسط شرکتهای خارج از سیستم امریکایی - آنجلو سرمایه داری تغییر می کند می باشد. تئوری سازمانی به فهم و توضیح اینکه چطور و چرا مسئولیت اجتماعی شرکتی در کشورهای مختلف دارد کمک می کند و همچنین توضیح می دهد که چرا این مفهوم بخشی از اصول شرکتی در کشورهای جهانی می باشد (ویسرو تولهر است 2010). حتی در صورتی که برای فهم و پیش بینی تغییرات رخ داده در مسئولیت اجتماعی شرکتی در یک محیط جغرافیایی همچون اروپا یا آمریکای شمالی تلاش کنیم تئوری سازمانی به فهم این تغییرات کمک می کند. همان طوری که کارهای صورت گرفته توسط هافمن بر روی اصول مدیریت محیطی در امریکا نشان می دهد (هافمن 2001، 1991).

برای بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتی تئوری سازمانی در سطوح متفاوتی قابل کاربرد است. به طور توصیفی، آن موجب فهم عمیق تر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی در یک محیط سازمانی خاص می شود. عادلانه است که بیان کنیم که حتی بعد از گذشت 30 سال تحقیق در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی، یک تعریف پذیرفته شده از مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی هنوز ارائه نشده است (کران 2008). در عوض اینکه فرض کنیم که کار یک روزه هر کیولین منجر به ارائه یک تعریف مناسبی از مسئولیت اجتماعی شرکتی شده است، توضیحات زمانی موجب روشن شدن حقیقت زیر شده اند: مسئولیت اجتماعی شرکتی در سازمان های اجتماعی معنی متفاوتی دارد، بنابراین تعاریف متعددی می توان داشت. تحلیل سازمانی هم چنین در سطوح ابزاری/مدیریتی نیز کمک کننده است. شرکت هایی همچون نستل که بیش از سه دهه فعالیت دارند مسئولیت های متفاوتی را برای



شرکت های خصوصی در محیط های مختلفشان تعیین کرده اند. به طور کلی در زمانی که کاپیتالیسم و موسسات با یک سوال اساسی بعد از بحران مالی سال 2007 مواجه شدند، تئوری سازمانی یک سری دیدگاههایی درباره سوالات هنجاری فشار آور مطرح کرد: چنین موسساتی، روشهای بسیار مناسب، کارا و ثابتي را برای سازماندهی فعالیت های شخصی با توجه به مسیر های موجود ایجاد کردند.

### 3- پویایی سازمان مسئولیت اجتماعی شرکتی : موضوعات پدیدار شده

توسط کلمه سازمان در ذهن خود در موقعیت های خاص X و نمونه سازمان های خاصی داریم. هنرپیشه خاص Y توقع دارد که Z را انجام دهد (برگر و لاکمن 1966) می توان یک روش خاص موجود برای انجام کارها را به طور سازمانی برای گسترش اینکه فعالیت های انحرافی یک سری فشارهایی را در محیط اجتماعی ایجاد می کند بررسی کرد (استریک 2005) این مشاهدات قابل کاربرد هم برای سازمان های رسمی وهم برای سازمان های غیر رسمی می باشد. تئوری سازمانی Neo نیز این مفهوم کلی را برای تفاوت قائل شدن بین ایجاد تعدیل کننده، هنجاری و شناختی سازمان ها همچون مکانیسم های متفاوت هم شکلی سازمانی که بر یکی از ابعاد تاکید دارد مطرح می کند (دی ماگیو و پوول 1983، اسکات 1995).

اگرچه این اعتقاد به خوبی در ادبیات شرح داده شده اند، ولی آن چه که نادیده گرفته شده فرایند نهادی سازی مرتبط با تاریخچه می باشد. سازمان ها نتیجه کشمکش های تاریخی برسد ابزارها و قوانین متداول بازی می باشند (تلن 1999). به منظور فهم یک سازمان خاص، کافی است ه فقط در مورد عملکرد اقتصادی و حتی مفهوم آن اطلاعاتی داشته باشیم. با نگاه به تاریخچه گذشته سازمان ها، سازمانها اغلب توسط منازعه، تضاد و مصالحه ها شکل گرفته اند. از این روموسسات منعکس کننده روابط موجود در یک سازمان خاص می باشند. اما در هنگام تاسیس سازمان، سازمان ها طبق روش خودشان پیش می روند. سازمان ها در بلند مدت هویت هنرپیشگان اجتماعی را تشکیل می دهند (جکسون 2010) چنین فرایندهای سازمانی می تواند خیلی سریع ویا حتی خیلی کند صورت بگیرند، سازمان ها موجب محدود شده بعضی از فعالیت ها و از طرف دیگر گسترش فعالیت های دیگر می شوند.

### 1-3 منشا تاریخی و سیاسی مسئولیت اجتماعی شرکتی

مسئولیت اجتماعی شرکتی یکی از بخش های اصلی شرکت معاصر در اقتصادهای پیشرفته و صنعتی شده است. این عقیده که شرکت ها باید مسئولیت پذیر باشند قابل پذیرش است. نهادی سازی مسئولیت اجتماعی شرکتی در نشریه دپارتمان های مسئولیت اجتماعی شرکتی درون شرکت ها قابل مشاهده است، گسترش شاخص های بازار سرمایه بستگی دارد به مدت دوام، افزایش ابتکارات شاخص بندی و حتی ISO استاندارد مسئولیت اجتماعی شرکتی. این فعالیت ها مرتبط با این مفهوم است برای مسئولیت اجتماعی شرکتی یک مورد شخصی وجود دارد یعنی شرکتها از طریق مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و دیگر فعالیت قادر به گسترش خواهند بود. اما اشخاصی که در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی فعالیت دارند می دانند که مفهوم آن مورد پذیرش نیست (اکوی 2009). یک سری ممکن است بیان کنند که مسئولیت اجتماعی شرکتی شاخصی بین مفهوم لیبرال مشارکت داوطلبانه و مفهوم متضاد مسئولیت های محدود اجتماعی ایجاد کند.

هم کشور uk و هم usa مثال هایی از بازار اقتصادی لیبرال می باشند، که شدیداً بر اشکال بازاری سازمان تاکید دارند (هال و سوسیک 2001). غیر منطقی که دو کشور را بخاطر این موضوع که سازمان هایی هستند که از مفهوم ارزش سهامدار حمایت می کنند پیشگامان روش تحقیقی مسئولیت اجتماعی شرکتی معرفی کنیم. از دیدگاه تاریخی مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی و بازارهای لیبرال مشابه هم هستند. در بررسی هایی که کیندر من در مورد uk انجام داد او نشان داد که چطور ابداع روش تحقیقی مسئولیت اجتماعی شرکتی در ارتباط با سیاست های اقتصادی نئولیبرال مارگارت تاچر در سال 1980 بود. در این دوره، رهبران شخصی شرکت های بزرگ اروپا به اختلافات شخصی برای برعهده گرفتن مسئولیت های جدید اجتماعی پایان دادند.

کیندر من نشان داد که مفهوم مسئولیت شخصی نقش مهمی در مشروعیت تحولات سازمانی اقتصادی اروپا دارد. یک موضوع تکراری که توسط رهبران شخصی مطرح شد این که مسئولیت های شرکت بدون توجه به قوانین دولت تعیین می شوند. موضوع جالب تر مربوط به محرومیت گروه های سرمایه دار خصوصاً اتحادیه های نیروی کار می باشند. عقاید گسترده مطرح شده در مباحث بریتانیایی مسئولیت اجتماعی شرکتی از سال 1980 تحت

تاثیر مباحث مطرح شده در امریکا قرار گرفته بودند. در واقع کشمکش های سیاسی و ابداع روش تحقیق مسئولیت اجتماعی شرکتی مربوط به اوایل دهه و حتی قبل تر از آن به سال 1920 می باشد. (مارتز 2012) نشان داد که چطور شکست جنبش نیروی کار آمریکا برفهم مسئولیت اجتماعی شرکتی در امریکا اثر گذاشت و مسئولیت های سازمانی شرکت راباتوجه به شیوه های مدیریتی معاصر تعیین کرد. در مواجهه شدن با سوالات اجتماعی مشخص شده که ارتباطات صنعتی اروپا متفاوت از کشورهای اروپایی می باشد. در آمریکا سازمانهای شرکتی هرگز پیشرفتی نداشتند. در این موقعیت اتحادیه ها فرصت های شخصی را گسترش دادند آن چه که از این تاریخچه می توان پرداخت کرد اینکه شرکتهای آمریکایی قادر به حفظ اقتدارشان در کنترل نیروی کاریشان و ایجاد یک سبک نسبتا یکجا از مدیریت بودند. اما ماری بیان کرد که این پیروزی از طریق قیمت بدست می آید. نزدیک به سال 1920 شرکتهای راطبق اصول مسئولیت اجتماعی اداره می کردند. در عوض وضع حقوقی برای نیروی کاری آمریکایی ها یک سری مسئولیت هایی را برای مدیران تعیین کردند. بانگاهی به دوران قبل از جنگ و افزایش مدیران حرفه ای آموزش دیده mba در دانشگاههای تجارت اروپا نیز مواردی برای رخ داد در این دانشگاههای به بررسی اصول اخلاقی شخصی نیز پرداخته می شد.

ساختار سیاسی مسئولیت اجتماعی شرکتی به منظور توضیح اینکه چطور تناقض بین ارزش سهامداران و مسئولیت اجتماعی امروزه رفع شده کمک می کند پذیرش مسئولیت اجتماعی شرکتی بستگی دارد به مورد شخصی و منطبق بارز شرکتهای خودشان بیشتر براساس محرک های ابزارهای شکل گرفته نه اصول ونسبی که برای مسئولیت اجتماعی شرکتی است (آگیولر 2007). مسئولیت اجتماعی شرکتی بخشی از مفهوم گسترده ارزش سهامدار روشن فکر است. در برابر بحث های بیشتر رجوع کنید به پارکینسون و کلی 2001، پارکینسون 2003).

این مطلب در شرکتهای UK در سال 2006 نوشته شد و در واقع پروژه اصلی دولت جدید نیروی کار تونی بلر بود. مقاله نیاز به این دارد که مدیر شرکت برای افزایش سود سهامداران شرکت باید عادلانه رفتار کند و این وبه تمایلات کارمندان و روابط شان توجه کند در نتیجه این بر محیط و جامعه اثر می گذارد. مارگارت هونگ وزیر

دولت در بخش صنایع و مناطق مفهوم جدید شرکت را به صورت زیر شرح داد: زمانی تصوری شد که موفقیت های شخصی با توجه به تمایلات سهامداران در تضاد با خواسته های جامعه برای مردمی که در شرکت کار می کردند بود قانون اخیر به روش جدیدی وضع شده، پیروی از خواسته های سهامداران و پذیرش مسئولیت های گسترده جزو اهداف تکمیلی بودند نه اهداف مناقض. محققان قانونی معتقدند که ارزش سهامداران روشنفکر چالشی برای مسئولیت پذیر غیر سهامداران نیست.

هیچ گونه چالشی در ارتباط با این مفهوم که کنترل نهایی شرکت بر عهده سهامداران است ایجاد نمی شود. هنجارهای قانونی تغییر واضحی در مفهوم آنچه که موجب رفاه سهامداران می شود و هدفی که شرکت های سرمایه داری به دنبال آن هستند ایجاد کرده اند. باید یک سری وظایف اجتماعی و اکولوژیکی برای سهامداران به همان صورتی که است به عنوان وسیله ای برای خاتمه دادن به سود سهامداران تعیین کرد. قانون یک سری حدودی را برای شرکت به منظور اینکه مطابق با روش تحقیقی مسئولیت اجتماعی شرکتی پیش برود تعیین کرده است. اما در همان زمان حدود ارزش سهامدار روشنفکر نیز مشخص می شود چونکه در هنگام تصمیم گیری ها راهنمایی کمتری می کند.

در هنگام بیان برتری سرمایه داران، قانون شرکتی اروپا یک فضای اجتماعی برای مسئولیت اجتماعی شرکتی ایجاد کرده است. سپس مفهوم پذیرفته شده توسط اروپا در واقع انعکاس از قانون شرکتی در چهل ایالت اروپا می باشد. با توجه به این تعاریف تاریخی و سیاسی به نظر هنوز تعریف واضحی از مسئولیت اجتماعی شرکتی نشده است، درباره این موضوع مهم در آینده بیشتر بحث می کنیم.

## **2-3 مقایسه مسئولیت اجتماعی شرکتی : نقش تمایز سازمانی**

به عنوان مجموعه ای از روشهای مدیریت، مسئولیت اجتماعی شرکتی علاوه بر کشورهای امریکا و اروپا به طور جهانی گسترش یافته است.

باتوجه به وجود سازمان های سیاسی مختلف ومیراث تاریخی به نظر می رسد کهمسئولیت اجتماعی شرکتی در سازمان های مختلف معانی مختلفی داشته باشد.مفهوم لیبرال مسئولیت اجتماعی شرکتی برای خواسته های سرمایه داران منعکس کننده ساختار سازمانی امریکا واروپا می باشد.

این مفهوم نشان دهنده تنش زیاد شخصیت های سازمان توسط پیوستگی اجباری اجتماعی سازمان می باشد در صورتیکه مارن(2012)منشا ظهور مسئولیت اجتماعی شرکتی را در شکست اتحادیه امریکا بدانید،تاچه حد وبه چه شکلی مسئولیت اجتماعی شرکتی در کشورهایی که موسسات شرکتی موفقیتی داشته ظاهر شد. همانطور که در بالا ذکر شد ،یک سری بررسی هایی در رابطه با ظهور وانتشار مسئولیت اجتماعی شرکتی در بین کشورها در سال اخیر صورت گرفته است. باتوجه به یک سری ازمباحث بسیار موثر صورت گرفته برخلاف اشکال آشکارمسئولیت اجتماعی شرکتی که در کشورهای لیبرال یافت می شدند به احتمال زیاد در کشورهایی که شرکت های سازمانی دارند مسئولیت اجتماعی شرکتی بیشتر ضمنی است.

از طرف دیگر مسئولیت های اجتماعی شخصی توسط قانون مشخص شده اند ویا قانون انجام مذاکرات باتحادیه های کاری رامنع کرده است دراین حالت حدود اختیاری وآشکار مسئولیت اجتماعی شرکتی توسط شرکتها محدود می شود. این دیدگاه نشان دهنده اینکه ممکن مسئولیت اجتماعی شرکتی وپیوستگی اجتماعی زمانی ممکن جانشینان ناقصی برای یکدیگر باشند(جکسون 2010). باافزایش واگذاری اختیارات به سرمایه داران از سوی سازمانها،شرکت ها برای پذیرش مسئولیت اجتماعی شرکتی به منظور قانونی کردن فعالیت هایشان با فشار روبرو می شوند.

برای مثال ممکن است اتحادیه های کاری قدرتمند با توجه به نفوذ که دارند شرکت ها را مجبور کنند که استاندارد های کاری بهتری را از طریق زنجیره موجودی شان بپذیرند یا برنامه هایی رامورد استفاده قرار دهند که از تنوع در محیط کاری حمایت می کنند. شواهدی تجربی متفاوتی بدست آمده است. تاحدی مشکلات منعکس کننده چالش های موجود درتخمین مسئولیت اجتماعی شرکتی می باشد. واین به خاطر پیچیدگی

وچند بعدی بودن آن است در هر صورت عضویت در گروه رهبری مسئولیت اجتماعی شرکتی ارتباط کمی با سازمان های رسمی تر مشارکت کنندگان همچون شوراهای کاری دارد(وای تولزو کلوگ 2011).

در هر صورت مسئولیت اجتماعی شرکتی ضمنی ممکن ناشناخته بماند . در آخر روز، شاخص های مسئولیت اجتماعی شرکتی ممکن است درباره کیفیت پیامدها برای گرفتن نتیجه گیری اطلاعاتی فراهم نمند.

در نتیجه سوالاتی مهمی همچون اینکه چه محیط های سازمانی بایامد مطلوب اجتماعی مرتبط هستند مطرح می شوند. برای بحث بیشتر در این زمینه (کانگ ومون 2012) یک ساختار تئوریک را برای بررسی اینکه چگونه موسسات سازمانی در ارتباط با انواع متفاوت کاپیتالیسمی که بر مسئولیت اجتماعی شرکتی اثر می گذارند هستند. با استفاده از عقاید دیگر، نویسنده نشان می دهد که مسئولیت اجتماعی شرکتی تحت تاثیر موسسات شرکتی دولت بر حسب شباهت ها یا تضادها قرار گرفته یا آن چه که گاهی اوقات تقویت یا جبران اشکال ممکن می شود. مباحث تئوریک که آن ها بحث عادی صورت گرفته توسط کیندرمن را با توجه به پیوستگی بین شرکت سرمایه دار و اشکال رقابتی مسئولیت اجتماعی شرکتی عمومیت می بخشد. نویسندگان شواهدی را فراهم کرده اند که این شواهد نشان می دهند که مسئولیت اجتماعی شرکتی اشکال مختلفی دارد یا به شکل توسعه یافته می باشد. این طبقه بندی با توجه به مفهوم ضمنی مسئولیت اجتماعی شرکتی صورت گرفته است و نشان می دهد که شرکت ها تاثیر گسترده ای بر پیدایش مسئولیت اجتماعی شرکتی دارند. این روابط را می توان به صورت بهتری در تغییرات رخ داده در سازمانهای شرکتی دولت مشاهده کرد. به منظور اینکه کشورهای به سوی آزادی خواهی پیش برود شرکت ها اشتغال بازدهی ورقابتی مسئولیت اجتماعی شرکتی را در آمریکا پذیرفته اند. مثال خوبی که می توان در این زمینه ارائه کرد آلمان می باشد. در این کشور بیشتر اشکال صریح و محرک شخصی مسئولیت اجتماعی شرکتی عمومیت دارند که منجر به بحث های داغی با اتحادیه ها می شوند.(هایب 2009)

با گسترش مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان یک ساختار آمریکایی - آنجلو در بین جوامع، تنوع بین کشورها افزایش یافت . وایت وردینگ بحث نسبی در رابطه با اینکه چگونه مدیران در محیط های سازمانی مختلف در

مورد وظایف اجتماعی شان فکر می کنند، انجام دادند. آن ها بررسی در رابطه با اینکه مدیران اجرایی سناریو در پنج کشور چه تصویری از مسئولیت اجتماعی شرکتی دارند انجام دادند. نه تنها بررسی های آنها تایید کننده اهمیت تفاوت بین مسئولیت اجتماعی شرکتی ضمنی و صریح می باشد بلکه هم چنین نشان می دهند که هر شکل انواع متفاوتی دارد، در هر صورت بررسی های آنها نشان دهنده تنوع در بین انواع متفاوت تر از مسئولیت اجتماعی شرکتی ضمنی می باشد که بین کشورهای سرمایه داری مسئولیت اجتماعی شرکتی و تولید کننده مسئولیت اجتماعی شرکتی فرق می گذارد. این تنوع نه تنها نشان دهنده پیوستگی اجتماعی در جامعه مورد نظر می باشد بلکه هم چنین نشان دهنده تنوع بین سرمایه داران کشورها می باشد. آن چه که از تحلیل های صورت گرفته در مورد مسئولیت اجتماعی شرکتی انجام گرفته ردوش شکل گیری مسئولیت اجتماعی شرکتی بستگی زیادی دارد به روشی که سازمان ها اتخاذ کرده اند. در اینجا کوس (2012) دو روش برای مقایسه تحلیل های مسئولیت اجتماعی شرکتی معرفی کرده است:

اول جدا سازی شخصیت های سازمانی از کشورها به منظور تشخیص اهمیت تفاوت احتمالی شرکت ها، سیاست مداران و سیستم های رفاهی برای شرکت هایی که از مسئولیت اجتماعی شرکتی استفاده می کنند. دوم متوسط تمرکز بر مسئولیت اجتماعی شرکتی در بین شرکتهای کوچک و متوسط نسبت به شرکت های بزرگتر از این طریق می توان فهمید که چطور سازمان ها بر مسئولیت اجتماعی شرکتی شرکت ها در سطوح چندگانه اثر می گذارند و تعاملاتی بین سازمان ها برای تشکیل الگوهایی از مسئولیت اجتماعی شرکتی صورت می گیرد. تحلیل کوس نشان می دهد که الگوهای مشارکت کشوری شرکتها می تواند هم شبه سازمانی وهم جانشینی باشد.

### **3-3 مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان موسسه ای از دولت فراملیتی**

مسئولیت اجتماعی شرکتی در سطوح فراملیتی توجه زیادی را به خود جلب کرده است. در واقع ظهور موسسات مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی جدید در سطوح جهانی هم اکنون روش ها و سیاست های شرکتها را تعیین می کنند. چند ملیتی و شبه محلی (وادوک 2008) با توجه به طبقه بندی گاپر از اینکه چطور mnc قابل کاربرد

در موسسات فراملیتی ساختمانی می باشد می توانیم مسئولیت اجتماعی شرکتی رادرسه سطح دولت شناسایی کنیم.

آنچه که واضح است نقش مسئولیت اجتماعی شرکتی در موسسات فراملیتی و جهانی می باشد. در اینجا قوانین نیمه خصوصی و عمومی، استانداردها یا تعهدات شخصی که بر مسئولیت اجتماعی شرکتی اثر می گذارد را مطرح می کنیم. موسساتی همچون کشورهای متحد جهان متراکم و سازمان استاندارد بین المللی با 2010 تا ISO 26000 خودش از مثال های برتر می باشند.

این ساختارها قصد سازمان سازی مسئولیت اجتماعی شرکتی در سطح جهانی از طریق ایجاد هنجارها، قوانین و روشهای استاندارد برای مسئولیت اجتماعی شرکتی را دارند. از آن جا که هیئت های تنظیمی فراملیتی قانون ملی ندارند. اکثر آنها قوانین را مطابق با ساختارهای مذاکره شده می سازند. از طرف دیگر این ساختارها قصد سازمان عناصر خاصی از مسئولیت اجتماعی شرکتی را دارند. این ها توسط هیئت های دولتی یا عمومی، انجمن های صنعتی یا مشارکت بین شرکت و NGO آورده شده اند.

این حوزه عمومی باشبکه های سیاسی عمومی جهانی از بهترین منابع فشار بر مسئولیت اجتماعی شرکتی سازمان در شرکت می باشد. تحولات اشکال اختیاری قوانین خصوصی برای موضوعات اجتماعی و محیطی را مشخص ساخت و به اشکال مختلفی از کنترل این برنامه ها توجه خاصی داشت. تحلیل های فرایندهای با موسسات شخصی و موسسات چند سرمایه دار را، نشان داد. برای مثال بازار خرده فروشی اروپا نشان می دهد که چطور موسساتی که چند سرمایه دار دارند توسط رقابت برنامه های شخصی مورد تهدید قرار گرفتند. اما در همان زمان، برنامه های شخصی نیاز به مشارکت گروه های سرمایه دار خارجی به منظور حفظ مشروعیت دارند. این نوع فعالیت های رقابتی سیاست های قانونی را میتوان توسط ثبت استراتژی ما و تاکتیک های سیاسی به کار رفته توسط موسسات شخصی برای حفظ مشروعیت شان نشان داد.

در اینجا یک تناقض ایجاد می شود: مسئولیت اجتماعی شرکتی نیاز به مشارکت سرمایه دار برای کسب مشروعیت دارد اما مشارکت زیاد سرمایه دار در برنامه ها باعث می شود که سرمایه دار اختیار زیادی کسب کند



و این تهدید کنند است. در مقاله نوشته شده توسط کونزلمان فشارهای موجود در قوانین خصوصی موضوعات اجتماعی و محیطی ذکر شده است.

در اینجا بر حفظ حمایت از چنین موسساتی در بین انجمن های ملی مختلف تاکید شده است. تحلیل های صورت گرفته نشان دهنده مشکلات سیاسی که شرکتها میسرولیت اجتماعی شرکتی شخصی با آنها مواجه می شوند. فشارهایی همچون عضویت متغیر استاندارد های کاری را به خطر می اندازد. لوزنل من به تفاوت های زیادی که بین کشورها در تاکید بر مسرولیت اجتماعی شرکتی وجود دارد و اینکه چطور با توجه به این محدودیت های برنامه ها می توان به راه حل های دقیقی دست یافت، اشاره دارد.

بانگاه به مسرولیت اجتماعی شرکتی در سطوح فراملیتی می توان هم نیازها و هم محدودیت های شرکت های سازمانی را مشاهده کرد. یک سری انتقادهای اساسی از شرکت های خصوصی در نهادی سازی روشها بدون توجه به قانون، دولت های ملی و موسسات دیگر متناسب بایک محیط دوستانه شخصی صورت گرفته است که در واقع از این طریق روش ها و سیاست های نامعتبر نهادی می شوند (فری ناس 2005، باتوجی 2009).

نگاه به مسرولیت اجتماعی شرکتی به عنوان شکل سازمان دولت خصوصی نشان دهنده اینکه در این صحنه هنرپیشگان اساسی هستند. می توان با توجه به ابزارهای سازمان یک چهارچوب تحلیلی برای شناسایی و ارزیابی مشارکت شرکت در سازمان های فراملیتی تهیه کرد. بانگاه به عرصه فراملیتی می توان سطوح شرکتی را درون ساختار سازمانی فراملیتی اش نهادی کرده است.

باتوجه به مباحث صورت گرفته مسرولیت اجتماعی شرکتی توسط mnc های بزرگتر ایجاد شده. اکثر این mnc ها فعالیت مسرولیت اجتماعی شرکتی گسترده ای که منجر به نهادی سازی مکانیسم ها شده اند را انجام داده اند. قوانین، هنجارها، روش ها و اصول اخلاقی زیادی توسط سازمان کنترل شده اند (شارفمن 2004)

مثال هایی که در این زمینه می توان بیان کرد شامل:

روش هایی که توسط وال مارت اخیرا پذیرفته شده اند، برنامه های مدیریتی آبی جهانی کوکاکولا و سیاست های ضد رشوه ای سایمنس در سرتاسر عملیات جهانی سومین عنصر نظارت فراملیتی و مسرولیت اجتماعی شرکتی

براین تمرکز دارد که چطور موسسات ملی در کشور خودشان و کشورهای میزبان MNC اصول مسئولیت اجتماعی شرکتی را تشکیل می دهند و نهادی می کنند (هارزینگ و نورد هاون 2003)، واضح است که یک سری از اصول مسئولیت اجتماعی شرکتی تعیین کننده هنجارها و ارزش های دموکرات های غربی می باشند اما این اصول موجب ایجاد تغییرات گسترده ای در موسسات کشورهای در حال توسعه می شوند (ماتیوری و گیلبرت 2010).

در صورتی که شرکت های نفتی غربی مکانیسم های محاسبانی را برای دولت های محلی آفریقا گسترش دهند یا مدارس و بیمارستانهایی در آن جا بسازند آنها توسط هنجارها و ارزش های کشور خودشان موسسات مسئولیت اجتماعی شرکتی را تغییر می دهند. یکی از مواردی که می توان این مسئله را به طور واضح مشاهده کرد تجارت عادلانه می باشد به طوری که از طریق طی مراحل می توان در موسسات کشورهای در حال توسعه تغییرات گسترده ای ایجاد کرد (زینکولاس و اوپال 2005)

#### **4- عنصر جدیدی از مسئولیت پذیری: ارزیابی مجدد شرکتهای عمومی و خصوصی گذشته**

مسئولیت اجتماعی شرکتی نامعلوم ولی آینده اش مشخص است. از طریق تاکید بر نقش موسسات مجدداً به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتی در محیط های گسترده تر فراملیتی می پردازیم. بانگاهی متفاوت به شرکتهای سازمانی مسئولیت اجتماعی شرکتی این موضوع خاص روشن کننده این واقعیت است که هر عنصری از مسئولیت اجتماعی شرکتی به شدت مورد اعتراض واقع شده است. شرکت ها باید چه مقدار دستور کار تحقیقی تنظیم کنند، چه استاندارد هایی برای مسئولیت اجتماعی پذیرفتنی هستند؟ و مسئولیت شرکت برعهده چه کسی است؟ با پاسخ دادن به این سوالات نه فقط کنترل بر شرکت ها اعمال می شود بلکه مرزهای گسترده بین شرکت و جامعه، خصوصی و عمومی، مشخص می شوند.

#### **4-1- از یک 'Inside Job' به 'occupywallst.org'**

اگرچه ممکن است بازارها در شرایط خاصی باشند، بازارها ممکن نیاز به حمایت های سازمان خاصی داشته باشند، مصرف کنندگان باید شرکت هایی را که وظایف شان را خوب انجام می دهند تشویق و شرکت هایی را که در

انجام وظایف شان کوتاهی می کنند را تنبیه کنند. سرمایه داران باید سرمایه هایشان را برای بلند مدت نگه دارند. کارمندان نظرات را باید بیان کنند و باید در شرکت برای تشویق، آن در هنگامی که مسئولیت پذیر است حضور داشته باشند و با شرکت هایی که مسئولیت پذیر نیستند همکاری نکنند. NGO باید برای اینکه نقش مهمی در مسئولیت پذیری داشته باشد، اصالت کافی داشته باشد. هیچ یک از این چیزها به تنهایی در شرکت اتفاق نمی افتد. برای اینکه بفهمیم که چطور سازمانهای اقتصادی از مسئولیت پذیری حمایت می کنند محققان این مسئله را که چطور و چرا سازمان های اقتصادی نیز از مسئولیت ناپذیری شرکت حمایت می کنند را نادیده نگرفته اند. شرکت ها فرصت کافی برای تعیین هزینه های مسئولیت اجتماعی شرکتی دارند. یک سری از بررسی های صورت گرفته نشان می دهد که پذیرش مسئولیت اجتماعی شرکتی بستگی زیادی به مشارکت هم زمان در فعالیت های بی ارزش (ماتینگلی و برمان 2006).

جسارت و طمع زیاد در مواردی همچون انرون و ورلدکام در اوایل قرن تاحدی مشخص کننده آینده می باشد. انجام معاملات گوناگون توسط طرح و هم چنین معاملات بازاری یک چرخه مناسبی ایجاد کرده که این چرخه برای سرمایه داران سود ایجاد می کند. سرمایه داران، مدیران، نویسندگان و کارمندان شرکت ان رون همانند سیاستمداران، از این سیستم سود می برند. شرکت ان رون مثال خوبی از آن چه که جرم شناسان، کلاهبرداری می نامند، می باشد که به وسیله آن از کنترل صورت گرفته در هنگام تصمیم گیری های شرکتی برای انجام کلاهبرداری مالی استفاده می شود (بلاک 2005).

بانگاهی به بحران های مالی رخ داده در سال های 2007 و 2008 می توان متوجه فسادهای مالی رخ داده در جهان شد. یکی از ویژگی های اصلی سازمان بحران وجود انگیزه های درونی می باشد که منجر به تقویت چرخه های پذیرنده ریسک و اعمال فرصت طلبانه می شوند. قطعا نظارت مالی بر فعالیت های شرکت فرصت های جدیدی برای مسئولیت پذیر نبودن اعضا فراهم می کند. تمام این موارد سوالات جدیدی برای مسئولیت پذیر نبودن اعضا فراهم می کند و هم چنین درباره نقش بازارهای مالی در جامعه طرح می کنند. در زمان نوشتن

این مطالب، حرکت اجتماعی روبه رشد موجب به چالش افتادن برتری سرمایه در سیستم سیاسی می شود و بهره های مالی راکاهش می دهند.

در اظهارنامه شخصی نیویورک سیتی آن فعالیت شخصی وال استریت مشخص کننده نگرانی های زیاد موجود درباره اعمال شرکتی بی ارزش می باشد که اظهارنامه باجملات زیر شروع شده است: مازمانی به شما مراجعه کردیم که شرکت هایی که برای مردم سود، نفع شخصی برای دادگستری و ظلم برتساوی ایجاد می کنند، برنامه های ما را اجرا میکنند. بدون توجه به موقعیت هنجری ما در اینجا، شهروندان زیادی درخواست مسئولیت پذیری شرکتی را کرده اند.

به جای روبرو شدن با فشار هایی از سمت سرمایه داران و یا بازارها، شرکت ها یا بحرانی از مشروعیت روبرو میشوند. مسئولیت اجتماعی شرکتی این بحران را حل نخواهد کرد با توجه به این موارد هنوز این سوال مطرح است که چه کسی شرکت را باید اداره کند.

#### **4-2- از تحقیقات شخصی به سمت علوم سیاسی و گذشته:**

این موضوع خاص ممکن بدون هیچ گونه غرضی یک سوال مهم را نادیده بگیرد. در آخر روز، آیا فعالیت های مختلفی که ما در سطح مسئولیت اجتماعی شرکتی مشاهده می کنیم در واقع موجب گسترش عدالت و پایداری آن می شود. آن ها برای حل چالش های زندگی روزمره ما تلاش اساسی میکنند همچون تغییرات آب و هوایی و بی عدالتی جهانی. برای دادن به یک پاسخ علمی اجتماعی صریح به این سوال نیاز به تغییر در تمرکز داریم. در دستور کار تحقیقی باید به ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و عملکرد های اقتصادی بپردازد، مسئولیت اجتماعی شرکتی در واقع بخشی از سازمان برای کنترل شرکت است و تاثیرش بر اهداف اجتماعی اکولوژیکی و دیگر اهداف به شدت بستگی دارد به ارتباطش به شکل های سازمانی دیگر کنترل.

مسئولیت اجتماعی شرکتی در سطوح شرکت باید در بخش های وسیع تر شغلی و انجمن های تجاری، شبکه های اجتماعی و قوانین دولتی نیز شناخته شود. در تحقیقات شخصی باید به مقدار بیشتری به منظور کنترل از علوم سیاسی استفاده کرد، این علوم شامل ساختار سازمانی فراملیتی و کاپیتالیسم تطبیقی می باشند. دهه های آخر

شاهدگسترش نقش هنرپیشگان خصوصی در بخش های عمومی می باشند. فعالیت های تنظیمی یک ابزار مهم برای کنترل شرکت در کشورهای مختلف می باشد و به نظر میرسد که شکاف بین قانون و بازار را پر کند. بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتی از نگاه سازمانی نشان دهنده اهمیت جانشین تاریخی پنهانی می باشد یعنی تمایلات عمومی را به سمت بخش های خصوصی شرکت جلب کنیم.

اگرچه در اوایل گسترش مسئولیت اجتماعی شرکتی در امریکا و اروپا این جایگزینی باشکست مواجه شد اما هیچ وقت به عقب برنگشت. شواهد اخیر این رویه ، گسترش قوانین اجباری در زمینه های اجتماعی و اقتصادی می باشد. برای این کار محققان سیاسی نیاز به فهم بیشتری از آنچه که در شرکت ها اتفاق می افتد و اینکه چطور هنجارها و اصول موسسات تنظیمی درون سازمان اجرا می شوند و یا باشکست مواجه می شوند، دارند. محققان شخصی برای فهم بهتر اینکه چطور شرکتهای قوانین سازمانی جدید را اجرا می کنند و هم چنین برای جمع آوری شواهد جدید درباره مسئولیت اجتماعی شرکتی که شدیداً مرتبط با پیامدهای اجتماعی و اکولوژیکی است مشارکت های جدیدی را آغاز کرده اند، موارد زیادی وجود دارد که باید به طور تئوریک و عملی انجام شود.

#### نتیجه گیری:

بررسی های صورت گرفته در زمینه تئوری سازمانی موجب مطرح شدن سوالات مهمی برای فهم بیشتر درباره مسئولیت اجتماعی شرکتی شده است. به سختی می توان کتاب یا مقاله ای درباره مسئولیت اجتماعی شرکتی پیدا کرد (خصوصاً در تاریخچه مدیریت) که اشاره ای به انتقاد واضح میلتن فریدمن از روش مسئولیت اجتماعی شرکتی نکرده باشد. این مبحث در ارتباط با اینکه اخیراً چه چیزی بخشی از اسطوره ایجاد مسئولیت اجتماعی شرکتی شده است: مسئولیت اجتماعی شرکتی مجموعه ای از روش ها می باشد که به شدت به صلاح شرکت ها و مدیران می باشد. مسئولیت اجتماعی شرکتی را می توان هم به عنوان یک بخش از شرکت ها برای همه نوع هیئت های موسسان یا حذف بدگویی های احتمالی از مدیریت از جریان اولیه اش استفاده کرد.

از دیدگاه سازمانی، مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان مجموعه ای از روشهای اختیاری و داوطلبانه در واقع بخشی از فعالیت شرکتی در سطح مشترک شرکت و جامعه می باشد.

تئوری سازمان محققان را باین واقعیت ساده که آژانس شرکتی توسط سازمان های برتر سیستم شخصی یا بخش های سازمان در جایی که شرکت ها فعالیت می کنند شکل ها باید آگاه می سازد. در محیط انگلوساکسون ممکن است این منجر به ایجاد برنامه ها و سیاست های داوطلبانه شود اما در محیط های دیگر در مسئولیت اجتماعی شرکتی توسط موسسات قانونی و مذهبی یا موسسات دیگر شکل می یابد. این واقعیت که مسئولیت اجتماعی شرکتی داوطلبانه است معرف کوچکی از روابط شرکتی جامعه می باشد و بیشتر انعکاس از محیط سازمانی اولیه خودش می باشد. در بعضی موارد ممکن سازمان ها عموماً به عنوان مسئولیت اجتماعی شرکتی اشاره شده است اما شرکت این انتظارات را از طریق تشکیل موسسات گسترده تر که سیستم های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را کنترل و بر آورد می کند. با بررسی مسئولیت اجتماعی شرکتی به طور سازمانی می توان به ماهیت آن پی برد. نبود تعریف مناسبی برای مسئولیت اجتماعی شرکتی گاهی اوقات منجر به عدم گسترش آن بخش یا بر آورد نشدن انتظارات جامعه تعریف شده است. ماهیت تاریخی و سیاسی موسسات نشان دهنده اینکه به دست آوردن یک تعریف جهانی برای مسئولیت اجتماعی شرکتی غیرمحمتمل نیست اما گاهی اوقات این کار مطلوب نیست. ممکن مسئولیت اجتماعی شرکتی فقط برای شکل خاصی از تمایل شرکت - جامعه تشکیل شده باشد.

برای مثال متا و مون در باره شکل های مسئولیت اجتماعی شرکتی در محیط انگلوساکسون به صورت مسئولیت اجتماعی شرکتی صریح و شکل های دیگر مسئولیت اجتماعی شرکتی هم ضمنی هستند صحبت کردند، باید بررسی های بیشتری درباره تعاملات جامعه - شرکت صورت بگیرد یا در نظر گرفتن مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان بخشی از دولت اجتماعی تر به نظر می رسد که این یک روش تحقیقی بسیار نوید بخشی در زمانی که قوانین، هنرپیشگان و بازارها اقتصاد جهانی را کنترل می کردند و احتمال اینکه در بحران قرار بگیرند زیاد بود، می باشد. حتی با وجود طمع های شخصی و شرکتی، بد رفتاری ها و شکست که نتیجه بحران مالی

هستند؛ بحث های صورت گرفته در رسانه ها؛ در سیاست و جوامع گسترده تر زمان آن رسیده که بر سیستم تمرکز کرد و یا حداقل موجب کاهش فرایندهای ایجادکننده بحران شد.

بحث های زیادی که توسط تلویزیون ها به صورت برنامه هایی انجام شده اند شرکت های سازمانی را زیرسوال برده اند. تئوری سازمان یک مسیر نوید بخشی برای یک پاسخ به سوالات که برای دولت بسیار مهم می باشند است و این تئوری چهارچوبی را برای کارهای تحقیقی ارائه می دهد.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی